برای شنیدن فایل صوتی
بالا را کلیک کنید

خطبه ۲۲ نهج البلاغه - طبقات انسانها

امیر المومنین انسانها را به ۵ طبقه توصیف می کنند

٤ گروهی که به انحراف رفته اند و یك گروه که کامیاب و اهل سعادت اند
این چهار گروه در هر عصر و زمانی همیشه وجود دارند.

قالَنّاسُ عَلی اَرْبَعَةِ اَصْنافٍ:
مردم بر چهار دسته اند:

گروه اول
مِنْهُمْ مَنْ لایَمْنَعُهُ الْفَسادَ فِی الْأَرْضِ اِلاّ مَهانَةُ نَفْسِهِ، وَ کَلالَةُ
گروهی از انان مانعی از فساد در زمین ندارند مگر پستی نفس، و کندی

انسانهایی که هیچ باکی ازفساد در زمین ندارند

گروه دوم:
و منهم اَلْمُصْلِتُ لِسَیْفِهِ، وَالْمُعْلِنُ بِشَرِّهِ، وَالْمُجْلِبُ بِخَیْلِهِ

کسانی هستند که اینها شمشیر را اختند و مرکب را تاختند به تمام معنی هرچند که می خواهند انجام می دهند. تمام ان تباهی درونی خودشان را و فساد درونی را اشکار می کنند. هیچ باکی هم ندارند. که در این میدان شهره شوند.

گروه سوم
وَ مِنْهُمْ مَنْ یَطْلُبُ الدُّنْیا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَلا یَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْیا.
گروه دیگر ان که با عمل اخرت دنیا خواهد ، و اخرت را به وسیله عمل صالح دنیوی نجوید.

در جامعه انسانهایی هستند که اینها در حقیقت در هدف گذاری زهنی و فکری خودشان از ابتدا هدفی جز دنیا ندارند. اینها طالبان دنیا هستند. دنیا که آرزو می کنیم همه چیز دنیا. نان ان ، لذت ان، کام ان، ثروت ان، شهوت ان، ... همه چیز. اینها دل شده دنیا اند، هیچ چیزی بعد از دنیا برای اینها متصور و مفهومی ندارد. اینها دنیا را می خواهند.

پس این گروه بعد از ان ظالمان متجاهر پر جرمتاز جهت منفر که همه چیز را عیان می کردند و از هر تیغ کشیدنی هم ابا نداشتند گروهسوم کسانی بودند که اینها مضرانه و ریاء کارانه چهره های خودشان را در پس اعمال قوا دنیوی پنهان کرده بودند و مطالب خودشان را می جستندو در پی ان بودند.

گروه چهارم
وَ مِنْهُمْ مَنْ اَقْعَدَهُ عَنْ طَلَبِ الْمُلْکِ ضُؤُولَةُ نَفْسِهِ، وَ انْقِطاعُ سَبَبِهِ ، فَقَصَرَتْهُ الْحالُ عَلی حالِهِ فَتَحَلّی بِاسْمِ الْقَناعَةِ، وَ تَزَیَّنَ بِلِباسِ اَهْلِ الزَّهادَةِ، وَ لَیْسَ مِنْ ذلِکَ فی مَراحٍ وَلا مَغْدًی.

انیست و کسانی هستند که دور می کند اورا عن طلب الملك ازاینکه دنبال قدرت و ملك و موقعیت و... چنین مسائلی نیستند در دنیا . اما چرا دنبال این مسائل نیست؟

حضرت ادامه می دهند بعد از معرفی کردن ٤ گروه

وَ بَقِیَ رِجالٌ غَضَّ اَبْصارَهُمْ ذِکْرُ الْمَرْجِعِ، وَ اَراقَ دُمُوعَهُمْ خَوْفُ الْمَحْشَرِ. فَهُمْ بَیْنَ شَرِیدٍ نادٍّ، وَ خائِفٍ مَقْمُوعٍ ، وَ ساکِتٍ مَکْعُومٍ، وَ داعٍ مُخْلِصٍ، وَ ثَکْلانَ مُوجَعٍ .
باقی ماندند انان که یاد قیامت چشمشان را از حرام بسته، و ترس از محشر اشکشان
را جاری کرده. گروهی از اینان مطرود مردمند، و بعضی در وحشت مقهوریت، و دسته ای ساکت
و خاموش، و عده دیگر با خداوند مناجات مخلصانه دارند، و بعضی از اینان هم ماتم زده و زجر کشیده اند.

امام می گویند اناسٌ که به ٤ گروه تقسیم کردند. اما اینجا امام به رجالٌ اشاره می کنند، که منظور مردان و زنان وارسته و برجسته جامعه، بزرگان، از لحاظ دینی

وَ بَقِیَ رِجالٌ و بزرگانی هستند که:

غَضَّ اَبْصارَهُمْ ذِکْرُ الْمَرْجِعِ،
یاد قیامت چشمشان را از حرام بسته اند

وَ اَراقَ دُمُوعَهُمْ خَوْفُ الْمَحْشَرِ.
و ترس از محشر اشکشان را جاری کرده.

این گروه نوخبه مورد گزینش امام، کسانیکه امیرالمؤمنین با شکوه و عظمت از اینان یاد می کند.

پس امام اولین ویژگی این جماعت گزیده ی نوخبه و گزیده این بزرگان را اخرت محوری (و بنگری) مطرح می فرمایند

اینها کسانی هستند که یاد مرجع (معنی بازگشت)، یاد رجوع، یاد معاد و جهان اخرت چشمهایشان را کنترول کرده و به زیر امده و تو معنی، قراری در وجودشان ایجاد شده.

و روان کرده است اشك ایشان را "خَوْفُ مَحشَر" ، به محشر و قیامت که
دل واپسی انها به محشر و حساب و کتاب الهی دارند. به گونه ای شده است این دل نگرانی که یك ول وله ای در جانشان ایجاد شده است که اب چشم اینهارا روان کرده است، از شناختن این مطلب.

اینها به جهان اخرت حساب ویژه باز کردند تحمل و تفکر می کنند
به حیات پایدار و ابدی خود فکر می کنند

اینجا امام این گروه پنجم را به پنج قسمت می کند

۱. فَهُمْ بَیْنَ شَرِیدٍ نادٍّ

اینها یکدسته شان در حال گریزند ، امنیّتی ندارند، ارامشی در جامعه ندارند، تحدید های بسیاری برایشان هست، و به خلوتهایی و به گریزگاه هایی می روند در برهه‌ای از زمان ۱

۲. وَخائِفٍ مَقْمُوعٍ

دلواپسان سرکوب شده در جامعه در قبال قدرتها در قبال سیاستمداران و صاحبان زورگو، حاکمان زورگو، اینها در جامعه سرکوب شده

۳. وَساکِتٍ مَکْعُومٍ

گاه این رجال شرایطی دارند که اینها سکوت، اما این لب فروبستن نه به شکل طبیعی است بلکه مکعوم

اینها لب فرو بسته زبان در کام چون شمشیر در نیام اما مکعون. دهانشان را بسته اند که نمی توانند حرف بزنند،

وَداعٍ مُخْلِصٍ

از این رجال کسانی هستند که امدن به صحنه دعوت، دعوت می کنند مردم را به خدا و حقیقت الیته دعوت اینها در نهایت یك دستی و خلوص است. نه انگیزه شخصی دارند نه انگیزه دنیوی دارد نه چیز دیگری.

وَثَکْلانَ مُوجَعٍ

مصیبت زدگانی هستند با دنیایی از خون دل، دردها مشکلات و اطلاعاتها را می بینند و مصیبت و درد تمام وجودشان را می گیرد، یك چنین حالتی را دارند. قرار از کف شان رفته است، و این گونه شب و روز بر ایشان می گذرد.

Ramin Vassighi
http://www.4ava.net